

ادبِ ممتازنویسی

و سیر تحوّل آن در اسناد دوره اسلامی ایران

عمادالدین شیخ‌الحکامی

کارشناس ارشد پژوهشی مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

(از ص ۸۳ تا ۱۱۰)

چکیده :

نوشتن کلمات مقدس و مورد احترام در یک متن، در سفیدی صدر یا حاشیه سمت راست اسناد، سنتی کهن در سندنویسی دوره اسلامی ایران است. زمان پیدایش، سیر تحول، نوع کلمات و نام این سنت، موضوع اصلی مقاله حاضر است. ریشه‌های غیر ایرانی و تأثیر فرهنگ ایرانی - اسلامی بر آن و سبکهای مختلف این سنت از دیگر نکاتی است که در این مقاله بدان پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ممتازنویسی، سندشناسی، فرهنگ مغولی، سنت‌های نگارش اسناد،

کتیبه‌های دوره اسلامی.

مقدمه:

برجسته‌کردن به وسیله نوشتن برخی کلمات یا نام‌های مرتبط با متن در صدر یا حاشیه اسناد یکی از سنت‌های دیرپای اسناد دوره اسلامی ایران است. این سنت تقریباً در همه اسناد بازمانده از دوره مغول تا پایان قاجار، البته با تفاوت‌هایی، دیده می‌شود. (تصویر ۱). این کلمات معمولاً از نوع نام‌های مقدّس چون نام خدا، پیامبر، ائمه و شیوخ یا نام‌های محترمی چون نام سلطان، منسوبین یا متعلقات اوست. غیر از اشارات کلی سندپردازان ایران به وجود این سنت در معرفی و بازخوانی برخی اسناد یا توضیحات اندک و گاه نادرست، تاکنون مطلب مستقلی در این باب نوشته نشده است^(۱). این مقاله بر آن است تا به سیر تحوّل این عنصر در دوره‌های مختلف پرداخته و به‌ویژه منشأ و نام این سنت را در سندشناسی ایرانی روشن نماید و همچنین تسری این سنت را به حوزه‌های دیگری چون کتابت نسخه‌های خطی و کتیبه‌ها نشان دهد.

کهن‌ترین نمونه‌های این سنت در اسناد فارسی:

اگرچه از اسناد پیش از دوره مغول نمونه‌های کمی برجای مانده است اما در نمونه‌های موجود اثری از این سنت دیده نمی‌شود^(۲). همچنین در متون دستور انشا و دبیری پیش از این دوره، اشاره و سفارشی برای انجام این کار وجود ندارد. کهن‌ترین نمونه این کاربرد را در اسناد فارسی می‌توان در نامه گیوک‌خان به پاپ (سند مورّخ ۶۴۴) دید. در این سند در یک مورد، کلمه «خدای» جلوتر از نقطه شروع سطر نسبت به بقیه سطرها آغاز شده است^(۳). (تصویر ۲).

پلیو، موستارت و کلیوز در بررسی نامه‌های ایغوری الجایتو به پاپ؛ هربرت بوسه در بررسی اسناد صفوی، قراقویونلو و آق‌قویونلو؛ فکتی در مقدمه یکصدویک سند فارسی؛ فراگنر در معرفی چند سند اردبیل؛ گوتفرید هرمان^(۴) در بررسی اسناد

دیوانی بقعه شیخ صفی اردبیل، به وجود این عنصر در حیطه اسناد مورد پژوهش خود پرداخته یا بدان اشاره کرده‌اند.

در متون انشا و نگارش سده هشتم، سه اشاره صریح به این سنت وجود دارد که ما را با برخی از ویژگی‌ها و اصول این سنت آشنا می‌کند. شمس‌الدین آملی ذیل علم انشاء به یک روش از رعایت این سنت اشاره کرده است:

«بیستم، آن‌که چون نامه به صاحب شوکتی نویسد، اندکی بیاض بگذارد و نام او بر بالای آن بر کنار دست راست ثبت کند و رعایت این معنی در نام حق تعالی اولی بود». (نفایس الفنون، ج ۱، ص ۲۸۷؛ خطی ملی، ص ۲۳۶) اما پیش از او محمد بن علی ناموس خواری به اختصار به روشی دیگر اشاره دارد و می‌نویسد:

«چنان که نام خدا و رسول و ملوک و وزرا و آنچه بدیشان تعلق داشته باشد، از یرلیغ و آلمغا و مثال و غیر آن بر جانب وحشی (راست) و بلندتر از سطور^(۵) مکتوب نویسند». (تحفه جلالیه)

نسفی، هم‌زمان و شاید پیش‌تر از خواری به این موضوع به تفصیل اشاره کرده و به صراحت نام این سنت را ممتازنویسی ذکر می‌کند:

«شرط دیگر، نام مکتوب‌الیه را در مکتوب به نسبت مرتبه او ممتاز باید نبشت و امتیاز چنان باشد که بر صدر خط نویسد و اگر حاجت باشد قدری بیاض بگذارد و اگر به مرتبه‌ای بزرگ‌تر باشد بر حاشیه جانب راست بر کناره طومار بنویسد.

و بعضی کتاب هرگاه که به نام خدای تعالی رسند، نام حق را بر صدر حاشیه راست بنویسند و بیاض بگذارند و بعضی این ادب را رعایت نکنند مگر در اسامی امرا و حکام و بدان احتیاج ندانند.

و هرگاه که به ذکر امیری بزرگ یا ملکی بزرگ رسند، نام او را نیز ممتاز

باید نبشت و ذکر سلاطین بزرگ و امرای بزرگ که قائم‌مقام ایشان باشند، بر بیاض بالای نامه نویسند، بعد از آن‌که در اثنای خطوط بیاض گذاشته باشند و رجعی کرده و این غایت تعظیم باشد.

و همچنین وقتی که به ذکر حکمی رسند مانند منشور و یرلیغ و التمغا یا قراتمغا یا مثال یا توقیع یا مانند آن، از چیزهایی که [۲۳ب] واجب التعظیم باشد عرفاً و ادباً، آن‌را نیز بر حاشیه چنان‌که گفته‌اند ممتاز باید نبشت و بیاض باید گذاشت، چنان‌که ممتاز نماید». (لطایف الانشاء، برگ ۲۳ الف و ب)

نسفی در این نوشته به چند شیوه رایج و نیز نوع کلماتی که باید ممتاز نوشته شود، اشاره می‌کند:

شیوه :

نوشتن بر صدر، خط حاشیئه راست، و بیاض گذاشتن در سطر؛
نوشتن در حاشیئه سطر (با فاصله از سر خط) اگر مخاطب بزرگ‌تر باشد؛
نوشتن بر بیاض بالای نامه در مورد امیران بزرگ و ملوک همراه با بیاض در سطر و رجع دادن .

کلمات :

نام امرا؛
احکام و فرامین امرا؛
چیزهای واجب التعظیم.
توضیحات او نیز اگرچه مفصل‌تر از دو منبع پیش است اما تمامی این سنت نیست.

ریشه‌یابی موضوع:

در ابتدا با توجه به وجود دو ریشه اسلامی در سنت و حدیث نبوی که از نظر

مفهومی با این موضوع مشابهت دارد، به نظر می‌رسد این امر ریشه در سنت‌های اسلامی داشته باشد؛ این دو، عبارت‌اند از: حرمت‌نهادن به نام الله در کتابت مهر پیامبر، به گونه‌ای که محمد رسول الله در سه سطر و از پایین به بالا نوشته شد تا نام الله در بالا، رسول در وسط و محمد پایین قرار گرفت (جعفری مذهب، ص ۹۳). و نیز سفارش آن حضرت به مقدم داشتن نام پدر بر نام خویش. این هر دو سنت در ترکیب کلمات مهرهای دوره اسلامی و نوشتن سجالات اسناد تا پایان دوره قاجار نیز تداوم یافته است. اما به دلایلی که در ادامه می‌آید، ممتازنویسی را باید سنتی غیر ایرانی دانست که به دلیل هماهنگی بودن با روحیات ایرانی و اسلامی پس از ورود به ایران توانسته است قرن‌ها به حیات خود ادامه دهد.^(۶)

ریشه سنت ممتازنویسی و سبک‌های آن در فرهنگ منشأ:

بیشتر پژوهندگانی که به این بحث پرداخته‌اند، احتمال تأثیرپذیری اسناد فارسی از الگوهای موجود در اسناد دوره مغول را مطرح کرده‌اند، اما ظاهراً هیچ یک توضیحی در باب اصل الگوهای مغولی و ریشه‌های کهن‌تر آن نداده‌اند. وجود سبک‌های مختلف ممتازنویسی در سندشناسی ژاپنی - که مانند دیگر فرهنگ‌های این حوزه، ریشه در فرهنگ چینی دارد^(۷) - و تکرار جزء‌جزء این روشها در اسناد مغولی و ایلخانی ایران، جای تردیدی در این امر باقی نمی‌گذارد که ریشه این سنت در فرهنگ چینی است. (تصویر ۳) به استناد کتاب سندشناسی ژاپنی می‌توان دریافت که براساس قانون تو (Tong) چند روش برای ممتازنویسی در فرمانها و مکتوبات وجود داشته است؛ اساس این کار با نام کوشیکی ریو (Kushiki-ryo) شناخته می‌شود و خود دارای سه شیوه است:

- هیشوتسو (Heishutsu): رها کردن سطر و قراردادن نام محترم در آغاز

سطر بعد؛ برای کلمه‌هایی که با امپراتور و خانواده او مرتبط است

یا کلمه‌های مقدّس.

- **کیتسوجی (Ketsuzi):** سفیدگذاشتن به اندازه یک حرف پیش از نام محترم. این روش بیش‌تر برای این موارد به کار می‌رفته است: مقدّس‌ترین معبد شینتویی، مقبره امپراتور، مرکب امپراتور، فرمان امپراتور، زن امپراتور، ولیعهد، و کلمه امپراتور (Sato, 107).

- **تایتو (Tayto):** برای احترام بیش‌تر با بالاتر نوشتن نسبت به آغاز سطر (بیرون‌زدگی) به اندازه یک، دو، تا پنج حرف. تعداد حروف بالاتر از سطر، نشانه احترام بیش‌تر است. این سبک بیش‌تر در کلمات خدا، بودا یا امپراتور به کار می‌رفته است^(۸).

پروفسور گوته‌فرد هرمان (Herrmann, pp.20-24) با بررسی نمونه‌های اصیل سندهای دیوانی دوره ایلخانی (۳۵ سند) متعلّق به بقعه شیخ صفی اردبیلی، این سنت را بررسی کرده و شیوه‌های مختلف این کار در اسناد این دوره به شرح ذیل دسته‌بندی کرده است. برداشت‌های او تا حدود زیادی، هم با گفته‌های نسفی و هم با دسته‌بندی موجود در اسناد ژاپنی مطابق است. وی چند روش رایج در این اسناد را چنین توضیح داده است:

- ناتمام رهاکردن سطر و قراردادن نام محترم در ابتدای سطر بعد؛
- قراردادن نام محترم پیش از آغاز سطر و طولانی‌تر کردن عرض سطر؛
- قراردادن نام محترم در حاشیه راست سند با فاصله از سر سطر؛
- استفاده از فضاها سفید میانی برای ارجاع به کلمه بیرون از سطر؛
- نوشتن نام محترم به رنگ طلایی (خارج از سطر)؛
- بالاتر بردن از آغاز سطر (بین دو سطر و در حاشیه قرار می‌گیرد)؛
- سفیدگذاشتن به اندازه یک کلمه نه به منظور ارجاع دادن و تنها برای عطف

توجه^(۹).

علاوه بر موارد پیش گفته، به نظر می‌رسد بیرون‌زدگی به‌اندازه چند حرف نیز که در سنت مغولی وجود داشته است، در اسناد فارسی این دوره نیز نمونه‌هایی دارد؛ مانند سند مورخ ۷۳۳ هـ. ق. (شماره ۴۵۳ بقعه شیخ صفی) که از کلمه دیوان اعلی نه به‌اندازه یک کلمه بلکه به‌اندازه سه حرف بیرون از سطر دیده می‌شود. براساس اصول یادشده مغولی می‌توان کلمات ممتازنویسی شده در اسناد دوره ایلخانی (براساس ۳۸ سند بقعه شیخ صفی) را در طبقه‌بندی یادشده، گنجانند:

نام‌های معنوی :

- نام خدا (الله، الله تعالی، خدای، حق سبحانه و تعالی)؛
- جملات دعایی حاوی نام خدا (مدالله‌ظله الی یوم‌الدین، اعلی الله ... ، خلدالله تعالی برکته علی المسلمین)؛
- نام پیامبر؛
- نام و القاب شیوخ: ملک المشایخ، قطب الاقطاب، صدرالدین، شیخ

صفی.

پادشاه و متعلقات او:

- نام شاه: حضرت سلطنت پناه
- نام شاهان پیشین: پادشاه مغفور، ارغون خان
- نام و عنوان خواتین: خاتون معظمه دنیا خاتون، ناموس

العالمین

- فرمان شاه: فرمانی، یرلیغ، یرلیغ همایون، یرلیغ و آلتماغا
- دولت روزافزون^(۱۰) (درباره سلطان)
- خانی (سال منسوب به او)

- دیوان اعلی
- مهر و توقیع شاه: یاشیل بیلکا، آلتمغای دیوان، توقیع همایون
- الحضره
- حکم و نفاذ یافته
- املاک شاه: اینجو

نام و عنوان امرا:

بایتمیش آغا، مسافر آغا الدوجی، نویین اعظم عدل
اگر نام محترم نوشته شده در حاشیه، با عناوین همراه، منتقل شده باشد، باز
این قاعده در آن نوشته کوتاه نیز رعایت شده و اصل نام بالاتر از دیگر کلمات
نوشته می‌شود، مانند ارغون خان / پادشاه مغفور (تصویر ۴) یا خاتون معظمه / دنیا
خاتون .

انواع رجع:

- سفید گذاشتن به اندازه یک کلمه و ادامه متن در همان سطر؛
- سفید گذاشتن تا انتهای سطر؛
- استفاده از علامت مانند: + ، ۷ ، را، و خط / (تصویر ۵)؛
- بدون خالی گذاشتن جای کلمه و یا سفید گذاشتن کمتر از یک
کلمه و یا تنها با استفاده از علامت / .

تأثیر فرهنگ ایرانی در ممتازنویسی:

مسلماً در آمیختگی دو سنت دیوانی مغولی و ایرانی، باعث به وجود آمدن
تغییراتی در روشهای ممتازنویسی گردیده و به مرور نیز تأثیر فرهنگ ایرانی بر آن

بیشتر شده است:

نخستین تغییر در این سنت نسبت به منشأ چینی، تفاوت در جهت نوشته یعنی تغییر جهت خط عمودی به افقی است که پیش از ورود به ایران در فرهنگ نوشتاری مغولها یعنی در خط ایغوری انجام گرفته بود. بنابراین آنچه در اسناد و متون چینی در ردیف اول بالای متن و بالاتر از شروع سطر قرار می‌گرفت، با تغییر جهت خط به حاشیه سمت راست منتقل شده است.

از جمله تأثیرهای فرهنگ ایرانی بر این سنت وارداتی، استفاده از رنگ برای کلمات ممتازنویسی شده است که ظاهراً در فرهنگ منشأ وجود نداشته اما در سنت کتابت قرآن کریم می‌توان نمونه‌های آن را پیش از دوره مغول نشان داد. نمونه‌ای از این کاربرد در قرآن شماره ۱۵۰۱ آستان قدس رضوی، مورخ ۴۲۱ هـ.ق. دیده می‌شود که در آن کلمه جلاله "الله" در تمام متن به طلای تحریردار نوشته شده است (تصویر ۶) (گلچین معانی، ص ۱۰۸). کهن‌ترین نمونه استفاده از رنگ طلایی در سندی به خط ایغوری از سلطان ابوسعید (مورخ) دیده می‌شود. اما از همان سده هشتم و نهم نمونه‌هایی را می‌توان یافت که آغازی برای تغییر این سنت است به گونه‌ای که کلمه محترم در جای خود به طلایی نوشته می‌شود و به حاشیه یا صدر منتقل نمی‌گردد. به عنوان نمونه می‌توان به سند صادر شده از بقعه شیخ ابواسحاق کازرونی (مورخ ۸۲۶ هـ.ق.) اشاره کرد که در آن، نامهای «ابواسحاق»، «محمد(ص)» و «الله» در جای خود و تنها با استفاده از رنگ طلایی ممتاز شده‌اند^(۱۱) (تصویر ۷). پس از این دوره و به‌ویژه در دوره صفوی و بعد از آن رنگین‌نویسی با طلایی و دیگر رنگها بیشتر و گسترده‌تر می‌شود. و نوشتن آیات و احادیث همراه با تغییر خط رواج بسیار می‌یابد.

تسری ممتازنویسی به نام شخصیت‌های مذهبی و افزودن عناوین و القاب مشایخ و جملات دعایی پس از نام آنان (که البته حاوی نام الله نیز می‌باشد) می‌تواند

از جمله تأثیرات فرهنگ ایرانی و اسلامی بر این سنت باشد. ممتازنویسی نام مکان مقدّس (مانند ذکر معبد بزرگ شینتو) در اسناد فارسی نمونه‌ای ندارد. ممتازنویسی نام امامزاده‌ها در دوره صفوی به اعتبار نام امامزاده است نه مکان؛ چرا که مثلاً در باب مساجد به کار نمی‌رود.

پس از دوره ایلخانی، ممتازنویسی نام وابستگان و متعلقات امرا چون نام احکام و املاک و ... کمرنگ و یا حذف شده و نوشتن نام‌های خدا و پیامبر پررنگتر می‌شود.

نمونه‌ای دیگر از تأثیر فرهنگ ایرانی بر این سنت، بهره‌گیری و تغییر این روش برای اظهار تواضع است نه تفاخر؛ یعنی سفید گذاشتن جای نام و نوشتن نام مستشهد یا کاتب در ذیل سطر. این کاربرد بیشتر در نامه‌ها، استشهادیه‌ها و عریضه‌ها دیده می‌شود.

در نمونه‌های اولیه اسناد فارسی به تبعیت از اصل، کلمات ممتاز چسبیده به سر سطر نوشته می‌شدند اما به مرور، جدانوشتن از سر سطر، نوشتن بین سطور و یا نوشتن در سفیدی بالای صفحه رایج می‌گردد. این موارد را هم می‌توان از تغییراتی دانست که در سنت ایرانی رخ داده است.

ممتازنویسی پس از دوره ایلخانی:

ممتازنویسی پس از دوره ایلخانی به نام سلطان و کلمات معنوی چون *الله* و *الهی* و جملات دعایی حاوی نام خدا محدود و استفاده از رنگ طلایی برای نوشتن اسامی خدا و آیات قرآن در حاشیه و متن بیشتر می‌شود. هریرت بوسه در باب اسناد این دوره می‌نویسد:

«در دیوان ترکمانی همان طوری که در توضیح سند شماره ۳ به چشم می‌-

خورد، این قاعده باز هم بیشتر ساده‌تر شده است. در هر فرمان، هر نوع بالا

بردن، برای مثال سند شماره ۴ (۱۴۹۹/۹۰۴)، به هیچ وجه بدان معنا نیست که بالا کشیدن بخش معینی از متن کاملاً به فراموشی سپرده شده است. تا عصر صفویان متأخر قواعد معینی مشاهده شده است، که بدون شک می‌تواند به عنوان ادامه آداب و رسوم دیوانی ترکمانی (به‌طور مستقیم مغولی) شناخته شود. در سند شماره ۵ (۱۵۱۲/۹۱۸) «ستی فاطمه» و «حسن العسکری» از آب طلا، و عبارت حمد و ثنا برای هر دو جمله در قسمت فوقانی حاشیه راست فرمان قرار دارد. شبیه آن در عصر صفویان متأخر نیز صورت گرفته است. در سند شماره ۱۷ (۱۶۳۷/۱۰۸۴) در قسمت فوقانی حاشیه راست نام «علی‌ابن موسی‌الرضا» با آب طلا با عبارات معمولی ثناء و دعا قرار دارد.

در مقابل، در متن، عباراتی با آب طلا وجود دارد، که مربوط به سلطان می‌شود: «شاهانه»، «خسروانه» و «همایون ما» در سند شماره ۹، و کلمه «ما» در سند شماره ۱۶. عبارات برای سلطان متوفی از خاندان سلطان حاکم با سایر عبارات حمد و ثنای متعلق به آن، با مرکب سیاه در حاشیه قرار می‌گیرد. برای مثال: «جلد بزرگوارم» و «شاه بابام» (در سند شماره ۱۲). در حاشیه آنچه که با مرکب سیاه است، عبارت است از اسامی منسوبان خاندان سلطان (زینب بیگم در سند شماره ۱۸)، عناوین سلاطین خارجی، برای مثال، سند شماره ۱۲: «ریم پاپا» (قبل از کلمه «حضرت» اضافه شده است، در سطر ۶). (بوسه، صص ۷۶-۷۳)

مکان قرارگیری و نوع کلمات ممتازنویسی شده در دوره صفوی براساس نمونه‌های موجود، و نیز اشاره‌های موجود در *بیاض صفوی* (نسبت مکان کلمات با هم و رنگ کلمات) به‌خوبی روشن می‌شود؛ اگرچه در منابع این دوره، از اصطلاح ممتازنویسی استفاده نشده است.

اهمیت این بیاض در آن است که، گزارشی از مراحل تولید یک سند را به‌خوبی نشان داده و توصیف کرده است. همچنین می‌توان به میزان توجه به کلمات محترم و مکان قرارگیری کلمات در صدر و حاشیه سمت راست سند و به‌ویژه نسبت هر کلمه را از نظر بالا و پایین بودن به‌خوبی دریافت. این نسخه همچنین ما را از انتخاب رنگ کلمات و دلایل آن به‌خوبی آگاه می‌کند.

تغییرات این سنت در دوره صفوی و دلایل آن:

کلمات ممتاز در این دوره با محدودیت بیشتر یعنی حذف کلمات مرتبط با حکم و فرمان و املاک و مهر شاه روبه‌رو است اما همچنان همان اصول دوره‌های پیشین رعایت می‌شود.

مکان قرارگیری کلمات مقدّس و نام پدر و جدّ شاه، در فاصله تسمیه تا آغاز مهر شاه قرار می‌گیرد و نام دیگر شاهان و امرا و بستگان شاه در ردیف یا بالای سطری قرار می‌گیرد که القاب فرد در آن ذکر شده است. آنچه در این باب یاد شد، شکل اصولی و غالب این سنت در دوره صفوی است اما در برخی اسناد، تفاوت‌های اندکی چون برابر نوشتن نام جدّ و پدر با مهر شاه دیده می‌شود.

استفاده از رنگ برای نشان دادن این مفهوم در این دوره گسترده‌تر شده و تنها محدود به رنگ طلایی نمی‌شود. اگر چه احترام رنگ طلایی همچنان بیشتر است و اسما جلاله و محمد و علی (ع)، طلایی، و دیگر اسما، سیاه نوشته می‌شود.

رنگی نوشتن کلمه یا جمله ممتاز در جای خود، بدون بیرون‌کشیدن از سطر نیز که از سده نهم در اسناد دیده می‌شود در این دوره همچنان رواج دارد.

از دیگر عوامل نشان‌دادن امتیاز برای کلمات و افراد که در این دوره افزوده شده و یا کاربرد بیشتری پیدا می‌کند، تحریر (دورگیری خط) و اعراب‌گذاری کلمات ممتاز است.

مهمترین علت تغییر را می‌توان کاسته شدن از طول اسناد نسبت به دوره پیش و به-خصوص به خاطر تغییر نوع خط از تعلیق به شکسته نستعلیق و نیز کم شدن فاصله سطرها دانست.

علت دیگر این تغییرات در این سنت مکان ضرب مهر است. پیش از دوره صفوی و اوایل این دوره، مهر در کنار تاریخ سند زده می‌شود. بنابراین موضوع بالا و پایین بودن نام‌ها موضوعیتی ندارد. اما پس از این انتقال، نوشتن نام پدر و نامهای مقدس بالاتر از مهر، و نام رتبه‌های پایین‌تر زیر مهر قرار می‌گیرد. در باب ویژگی این سنت در دوره صفوی این نکته را هم می‌توان افزود که اگر در سندی یک نام مقدس دوبار تکرار شده باشد، یک بار در صدر نوشته می‌شود، مانند سند شماره ۴۱ که در متن دوبار پس از «ان شاء» به اندازه یک کلمه سفید گذاشته شده، اما در صدر سند، «الله تعالی» تنها یک بار نوشته شده است. (ستوده و ذبیحی، ج ۶، ص ۸۹)

جمع‌بندی اطلاعات بیاض صفوی درباره این سنت:

در بالاترین سطر هر سند عنوان (تسمیه) قرار دارد. عنوان می‌تواند بسمله، هو، هو الله سبحانه و تعالی، و الملک لله باشد.

جای قرارگیری کلمات: حاشیه سمت راست، یک سوم طول سطر است، یعنی در بیشتر موارد اگر عرض کاغذ را به سه بخش تقسیم کنیم، یک سوم آن در حاشیه سمت راست سفید می‌ماند. مهر، معمولاً در وسط صفحه بیاض بالای سند از طول و عرض قرار می‌گیرد. عنوان (تسمیه) بالای مهر و در وسط قرار می‌گیرد و کلمات هم ارزش با عنوان چون الله و الهی و غیره در میان حاشیه و عنوان قرار می‌گیرد و اگر دو کلمه هم ارزش بود، دومی میان کلمه اول و عنوان قرار می‌گیرد. بنابراین تقدّم و تأخر کلمات قابل تشخیص خواهد بود؛ مثلاً کلمه الله و الهی،

کلمه اوّل وسط حاشیه و کلمه دوم، میان دو کلمه قرار می‌گیرد.

جایگاه و نوع کلمات ممتازنویسی شده:

- کلمات و نامهایی که در ردیف عنوان (تسمیه) قرار می‌گیرند، هر آن چیزی است که منسوب به خدا است مانند *الله، الهی*، (تفاوت اسماء جلاله و غیر جلاله در نظر گرفته می‌شود).

- ردیف دوم جایگاه چهارده معصوم است. (عنوان چهارده معصوم حتی بالاتر از پیامبر و ائمه هدی و پیامبر قرار می‌گیرد).

- ردیف بعد برای نام امامزادگان

- ردیف بعد پدر بزرگ شاه است

- ردیف بعد برای پدر شاه؛ مثل شاه بابام.

- ردیف بعد، مهر شاه قرار دارد. شاه، شاهی، پادشاهی، ظل ظلیل رحمن،

ظل اللهی و ولی نعمت عالمیان نیز در همین ردیف قرار می‌گیرد.

- نام امرا و حکام و منسوبین شاه در ردیف همان سطر (یا در ردیف انتهای

سطر که کمی بالاتر از شروع سطر است) قرار می‌گیرد و القاب او در آن سطر

تمام می‌شود. (۷۵: ۴، ۹۹: ۶، ۱۱۱: ۲، ۱۱۶: ۵، ۱۱۸: ۴، ۱۲۰: ۷، ۱۴۰: ۳).

رنگ کلمات:

استفاده از رنگ برای نشان دادن امتیاز کلمات پیش از این دوره، منحصر به

رنگ طلایی بود اما در این دوره، علاوه بر طلایی و سیاه که همچنان کاربرد دارد،

رنگ لاجورد نیز افزود می‌شود. مانند: "و آیه و پادشاهانه و شاهنشاهی در متن

به طلا بدون تحریر" (۳: ۱۴).

در این بیاض درباره کلمات ممتازنویسی شده، تأکیدی ویژه بر استفاده از

رنگ برای نشان دادن جایگاه معنوی کلمات وجود دارد:

طلا:

رنگ زرد طلایی برای تسمیه (عنوان)، یا محمد یا علی و اسماء جلاله
به کار می رود

آیه در متن به طلا(۳: ۱۴)

الله به طلا(۷: ۲۵) بسمله و هو الله سبحانه و تعالی به طلای زرد به
خط ثلث بی تحریر

عنوان، پایین تر از یا محمد یا علی به طلا(۱۱۶: ۷)

الهی به طلا(۱۲۳: ۵)

هو الله سبحانه به طلا (۱۳۶: ۵)

هو الله سبحانه و تعالی به طلا. الملك لله به طلا(۱۵۱: ۳)

لاجورد :

و اسامی پادشاهان لاجورد ساده در میان سطر نوشته شده بدون
اعراب(۷: ۳۵)

و اسم مبارک ائمه هدی در بالا و اسم مبارک امام رضا - علیه السلام -

در پایین آن که اول یک سطر و دوم دو سطر به لاجورد در میان مربع

طولانی که در وسط حاشیه سفید گذاشته بودند(۱۱: ۱۸)

و اسم مبارک حضرت رسول و حضرت امیر المومنین(ص)، لاجورد

(۱۳: ۱۸)

و اسامی متبرکه به لاجورد (۱۳۶: ۸)

و آیه نصر من الله و فتح قریب به لاجورد نستعلیق(۱۵۳: ۳)

رنگ سیاه :

علاوه بر نمونه های متعددی که کلمات به سیاه نوشته شده است:

و اسماء صفات الله که جلاله نبود به سیاهی در متن قلمی گشت. (۱۲۵: ۶)

ممتازنویسی در اسناد دیوانی پس از صفوی:

ممتازنویسی در اسناد دیوانی پس از صفوی بسیار کمرنگ می‌شود و تنها می‌توان اثر آن را در رنگ طلایی^(۱۲) طغرای برخی اسناد دید. اما از دوره زندگی به دلیل تفاوت نگاه زندیان که خود را شاه نمی‌دانستند و حتی مهر خود را متواضعانه در انتهای آخرین سطر فرامین می‌زدند، به طریق اولی این سنت متفاخرانه کاملاً وانهاده شده است.

ممتازنویسی در اسناد غیر دیوانی:

همزمان با ورود این سنت به نظام دیوانی ایران، استفاده از ممتازنویسی به حوزه اسناد قضایی نیز راه می‌یابد؛ البته بیشتر در ارتباط با اسنادی که یک طرف معاهده حاکم، امیر یا شخصی دیوانی باشد و یا آن که سند شرعی در حوزه دیوان تنظیم شده باشد (تصویر ۸). اما پس از دوره صفوی، این سنت از حوزه دیوان رخت برمی‌بندد و تنها در اسناد قضایی (به‌ویژه وقفنامه‌ها، عقدنامه‌ها و برخی مبیعه‌نامه‌ها) ادامه حیات می‌دهد^(۱۳). این نکته خود ملاکی روشن برای شناخت طبقه اجتماعی واقفان یا طرفین عقد است.

در دوره قاجار، این ویژگی از نام دیوانیان به نام و القاب و عناوین علمای بزرگ تسری یافته است. روش کار در این نمونه‌ها تغییری اساسی می‌یابد و مجموعه نام و عناوین و القاب و دعا برای شخص اول سند (واقف، خاطب، خریدار) در گوشه سمت راست بالای سند در چند سطر نوشته می‌شود و در متن نیز علامت رجعی گذاشته می‌شود. دیگر کلمات مقدس متن از آیات و روایات با رنگهای مختلف و به‌ویژه به‌سرخ‌نویسی نوشته می‌شود. (تصویر ۹ و ۱۰)

ممتازنویسی در نسخه‌های خطی:

ورود و تداوم این سنت را می‌توان از همان ابتدای پیدایش در کتابت نسخه‌های خطی نیز یافت. نظر به منشأ دیوانی این کار بدیهی است که این عمل بیشتر در حوزه نسخه‌های منشآت و رساله‌های آداب دبیری و انشا و وثائق دیده می‌شود و نیز نسخه‌هایی از اسناد و وقف‌نامه‌ها که به صورت کتاب تدوین و استنساخ شده‌اند. اساس عمل، همان روش‌های رایج در اسناد است؛ یعنی سفیدگذاشتن و یا با علامتی رجع دادن و نوشتن نام محترم در حاشیه و یا بالای صفحه، و یا نوشتن با رنگ طلایی. (تصاویر ۱۱ و ۱۲)

نکته قابل توجه دیگر در این عرصه رعایت این نکته حتی در رقم برخی نقاشان است که برای نمونه می‌توان از شیوه رقم نویسی آقارضا مصور یاد کرد. (تصویر ۱۳)

ممتازنویسی در کتیبه‌ها:

کتیبه‌هایی که بنابر سنتی کهن برای آگاهی عموم از متن فرمان‌های صادره از سوی حکام در مساجد نصب می‌شده و در واقع، رونوشت‌های سنگی احکام و فرمان‌های کاغذی است. در مواردی؛ نامهای ممتازنویسی شده در اسناد را در سطر نخست کتیبه حجاری می‌کرده‌اند.

اما تأثیر پررنگتر این سنت را می‌توان در نوشتن نام حاکم یا حامی و سازنده بنا به رنگ طلایی در کتیبه‌های کاشی معرق و هفت‌رنگ نشان داد و تنها به‌عنوان نمونه‌ای کهن می‌توان از کتیبه مسجد پامناز کرمان مورخ ۷۹۳ هـ.ق.، و از کتیبه قاجاری مدرسه خان شیراز به‌عنوان نمونه‌ای متأخر یاد کرد. (تصاویر ۱۴ و ۱۵)

نتیجه:

زمان قطعی پیدایش این سنت در اسناد ایران، همزمان با ورود مغول‌ها به ایران

است. اساس این سنت که ریشه در فرهنگ مغولی دارد، به فرهنگ چینی باز می‌گردد. بر پایه آنچه در فرهنگ منشأ موجود است، نامهای مقدس و محترم به چند روش مشخص در جای دیگری غیر از جای خود نوشته می‌شده است. نام این سنت در دوره رواج آن ممتازنویسی بوده است. اساس این سنت نسبت به منشأ اصلی تغییر زیادی نکرده، اما از فرهنگ ایرانی تأثیر پذیرفته است. از جمله این تأثیرپذیری می‌توان به نوشتن نام مقدس و فرد محترم به رنگ طلایی اشاره کرد که به‌ویژه در نوشتن نام جلاله الله در خوشنویسی اسلامی وجود داشته است. کم شدن استفاده از این سنت در کلمات غیرمعنوی و افزایش کاربردی کلمات معنوی نیز از دیگر نتایج تداوم این سنت در ایران است. گسترش کاربرد رنگ و تحریر کلمات نیز در دوره صفوی به‌عنوان روشهایی برای ممتازکردن کلمات به این سنت افزوده شده است.

ممتازنویسی، کمی پس از دوره صفوی از حوزه اسناد دیوانی حذف شده و به‌شکلی دیگر در اسناد شرعی تداوم می‌یابد.

در کتابت برخی نسخه‌های خطی نیز این سنت رعایت شده است. رنگین‌نویسی نام حاکم در کتیبه‌های ابنیه را نیز می‌توان به تأثیر این سنت نسبت داد.

پی‌نوشت‌ها :

۱- شادروان قائم‌مقامی در کتاب ارزشمند *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی* دوبار به این سنت اشاره دارد یک بار در صفحه ۸۴ به نقل از مینورسکی (حاشیه *تذکره‌اللوک*، ص ۲۶۴) در باره عبارت‌هایی چون "جد بزرگوارم طاب ثراه" و "شاه بابام - انارالله برهانه" در بالای برخی از اسناد صفوی می‌نویسد: این عبارات اشاره به نام پادشاهانی بوده است که ارقام یا نشانهای سابق از طرف ایشان صادر شده و نشان حاضر در تأیید آنها بوده است. قائم‌مقامی در جای دیگر نیز در باره دو سند شرعی برداشتی نادرست از نوشتن نام و القاب افراد بر صدر سند ارائه کرده است. (ص ۲۹۷).

۲- در مجموعه اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی از اسناد پیش از دوره مغول، ۴ سند دیوانی و ۵۵ سند و پاره سند قضایی وجود دارد. (عمادالدین شیخ الحکمایی، *فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی*، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷. صص ۲۸۶-۲۸۵)

- ۳- از خانم فرانک بحرالعلومی به خاطر ترجمه بخشهای مربوط به موضوع از متن آلمانی سپاس فراوان دارم.
- ۴- تأکید بر طراز بودن ابتدای سطور در متون پیش مغولی نیز دیده می‌شود: «و اگر بر جانب راست چیزی بیاض بگذارد، گوش دارد تا مبادی سطور راست دارد، چنان‌که هیچیز در اول سطر نتوان افزود» (میهنی، ص ۲۸).
- ۵- اولین بار موضوع امکان تأثیرپذیری این سنت از فرهنگ مغولی را در گفت و گویی (سال ۱۳۷۵) از پروفیسور برت فراگنر شنیدم. خدایشان طول عمر دهد.
- ۶- احتمال تأثیرپذیری فرهنگ چینی از فرهنگ مانوی، موضوعی است که خود نیاز به تحقیقی دیگر دارد.
- ۷- در منبع پیشین درباره روش تایتو توضیحی داده نشده است. این توضیح از فرهنگ لغت ژاپنی ترجمه شده است. با سپاس از آقای اوسامو اوتسوکا برای ترجمه این دو متن.
- ۸- در سنت کتابت پیش از دوره مغول، سفیدگذاشتن به منظور توجه دادن به آغاز مطلب تازه، رایج بوده است. میهنی در این باب آورده است: «او هر سخن که به پایان رسید، اندکی بیاض بگذارد آنگاه سخنی دیگر آغاز کند تا نبشته مفهوم‌تر آید. (محمدبن عبدالخالق میهنی، دستور دبیری، به تصحیح علی رضوی بهابادی، یزد، بهاباد، ۱۳۷۵، ص ۴).
- ۹- برای تفسیر کلمه روزافزون نک: ابوالعلا سودآور، *فره ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان*، هوستون آمریکا، نشر میرک، ۱۳۸۳، ص ۲۰.
- ۱۰- ایرج افشار، "سندی از بقعه شیخ ابواسحاق کازرونی"، *آینده*، سال پنجم، بهار ۱۳۵۸، شماره ۱، صص ۱۴۷ - ۱۳۷. برای تصویر رنگی آن نک: شهرستانی، *هنر ایرانی در اسناد ملی*، صص ۱۹ تا ۲۳.
- ۱۱- کهن‌ترین نمونه طغرای طلایی بر سند مورخ ۷۵۵ هـ.ق. از آن ملک اشرف چوپانی است. (سند شماره ۴۷۴ اسناد بقعه شیخ صفی)
- ۱۲- برای نمونه‌ای از رعایت این سنت در یک وقفنامه صفوی، البته با نامی برساخته، نک: امید رضایی دوانی، "تجزیه و تحلیل قاعده در هامش براساس وقفنامه کوچکی از قزوین در دوره صفوی"، *وقف میراث جاویدان*، ش: ۵۶، صص ۱۰۶-۹۹.

منابع:

- افشار، ایرج، *بیاض صفوی*، «آداب نامه نگاری پادشاهان صفوی به‌سران سرزمینهای دیگر»، تصحیح ایرج افشار، *نامه بهارستان*، ش: ۱۴-۱۳؛ صص ۷۴-۲۳.
- بوسه، هریبرت، پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی بر مبنای اسناد دوران آق قویونلو و قراقویونلو و

صنوی، ترجمه غلامرضا ورهرام، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷.
جعفری مذهب، محسن، «تحقیقی پیرامون نامه پیامبر به خسرو پرویز»، وقف، میراث جاویدان، سال
اول، ش: ۴، زمستان ۱۳۷۲؛ صص ۱۰۱-۹۲.

ستوده، منوچهر، مسیح ذبیحی، از آستارا تا استارآباد، جلد ششم، ص ۸۹ (سند شماره ۴۱).
شمس‌الدین محمد آملی، نفایس الفنون فی عرائس العیون، ج ۱، ص ۲۸۷. (چاپ سنگی تهران ۱۳۰۹،
ص ۷۵؛ خطی ملی، ص ۲۳۶)
فکتی، ل.، مدخل پالئوگرافی فارسی صدویک سند فارسی، به اهتمام گ. حزای، نشر آکادمی بوداپست،
۱۹۷۷م.

گلچین معانی، احمد، راهنمای گنجینه قرآن، مشهد، اداره کتابخانه آستان قدس، ۱۳۴۷.
ناموس خواری، محمدبن علی، تحفه جلالیه، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، (۱۹۴۰)
حکمت)، برگ ۱۸ ب
نسفی، نصرالله بن علاء، لطایف الانشاء، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۴۷۱۹، برگ
۲۳ الف، ۲۳ ب.

Herrmann Gottfried. Persische Urkunden der Mongolenzeit. text _ und
Bildteil. Wiesbaden: Harrassowitz Verlag. 2004. 205pp. 119.
Abbildungen. (Documenta Iranica Islamica. Band 2) ISBN _ 3_447_ O
4901_ 4)

Mostaert, Antoine et Francis Woodman Cleaves: Les Lettres de 1289 et
1305 des ilkhan Aryun et Oljaytu a philippe le Bel. Cambrige, Mass.
1962 (Harvard Yenching Institute. Scripta mongolica Monograph Series
I).

Mostaert, Antoine et Francis Woodman Cleaves: Trois Documents
Mongols des Archives Secretes Vaticanas In: HJAS 15(1952), S. 419_
509.

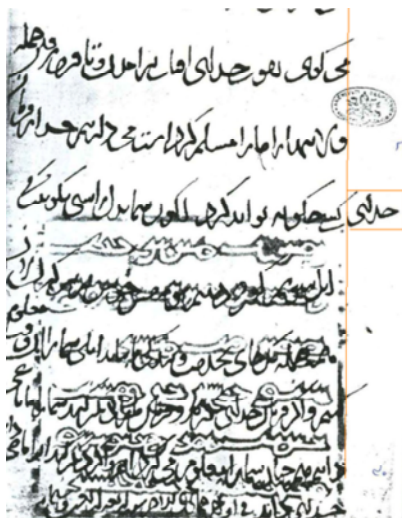
Shn'ichi Sato, kyunom, Tokyo: Hosei-daigaku shuppan, 2008.

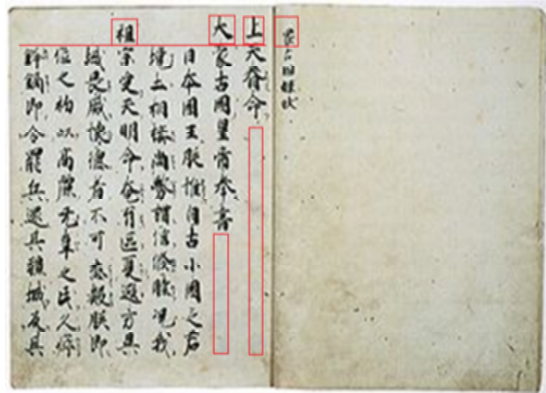
تصویر ۱

سند متعلق به مجمع
ذخایر اسلامی است.
(با سپاس از آقای سیدصادق اشکوری)

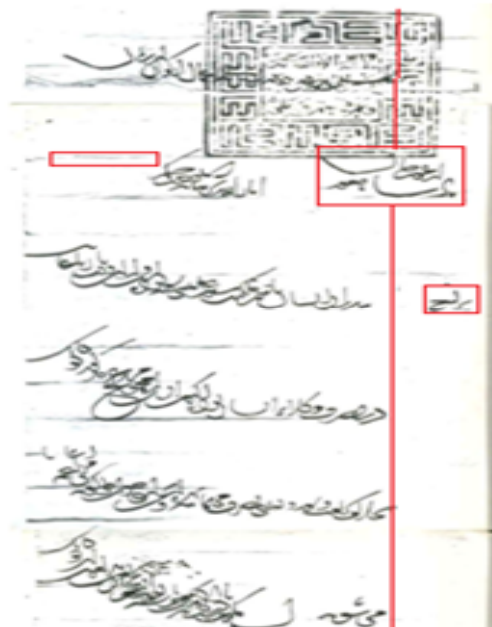


تصویر ۲

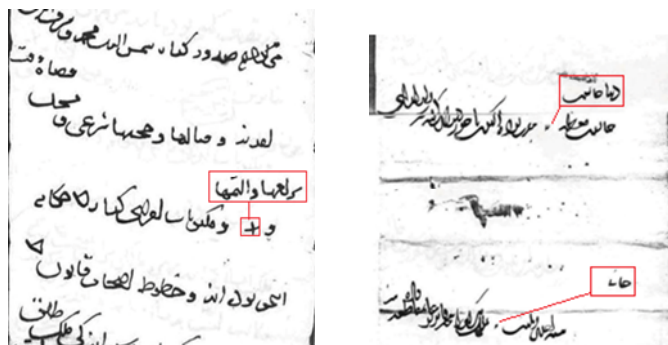




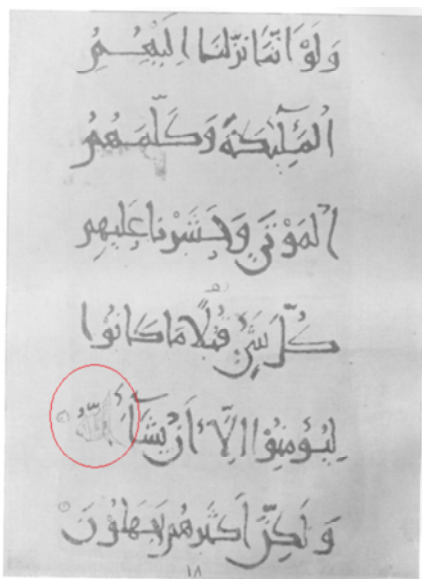
تصویر ۳
نمونه ممتازنویسی
در یک سند ژاپنی



تصویر ۴

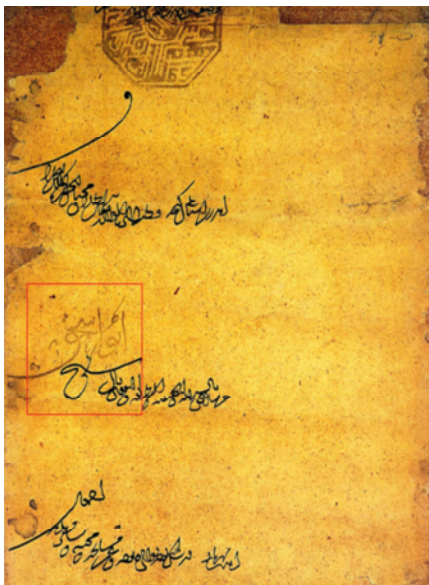


تصویر ۵

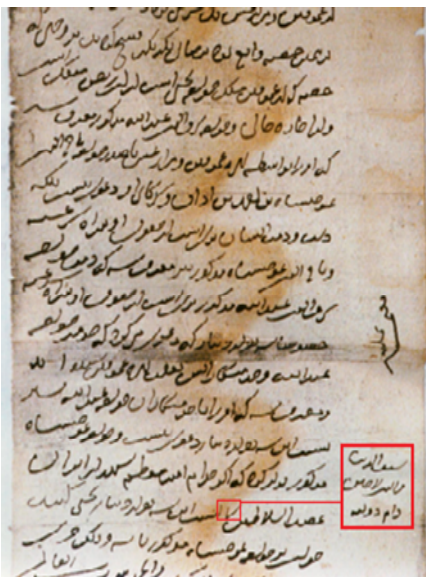


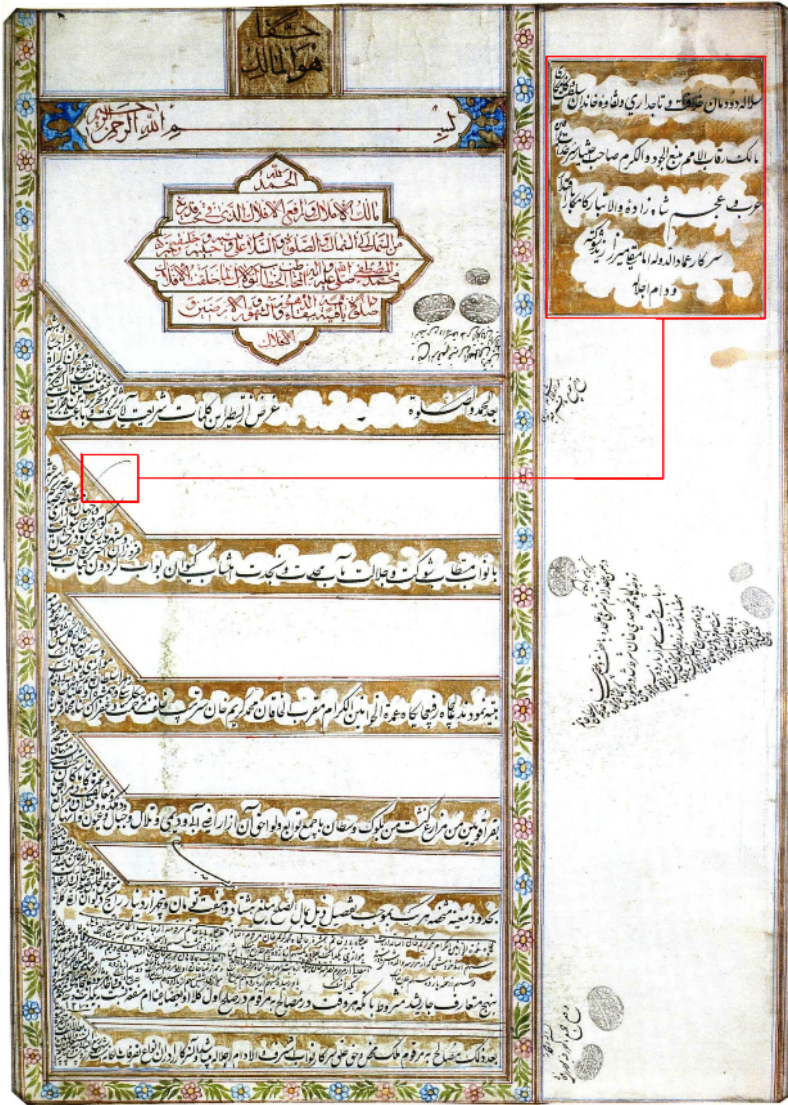
تصویر ۶

تصویر ۷
سند صادر شده از بقعه
شیخ ابواسحاق کازرونی



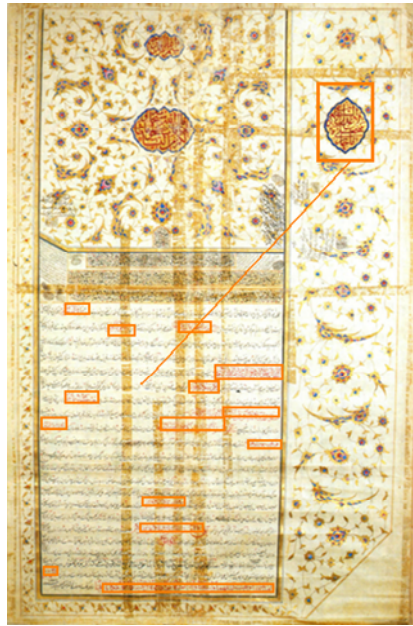
تصویر ۸





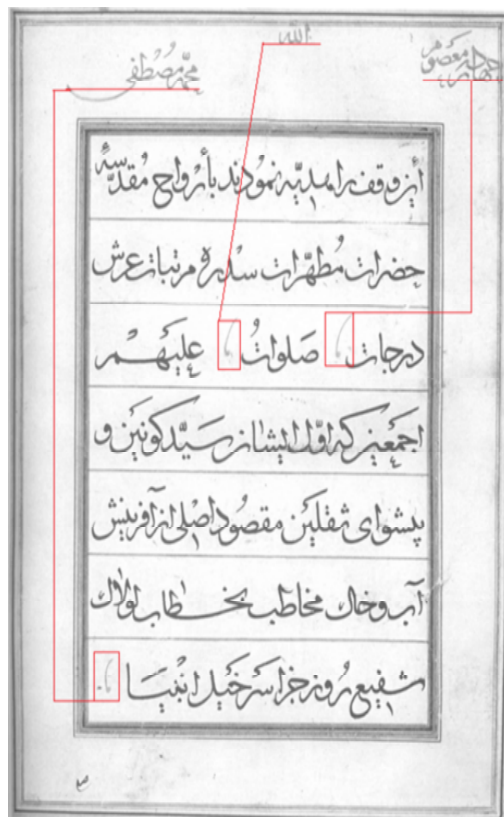
تصویر ۹

تصویر ۱۰



تصویر ۱۱





تصویر ۱۲



تصویر ۱۳
امضای آقارضا مصور



تصویر ۱۴: کتیبه مسجد پامنار کرمان مورخ ۷۹۳ هـ.ق.



تصویر ۱۵: شیراز، مدرسه خان
ممتازنویسی نام ناصرالدین شاه قاجار